

ترانه‌های خیام

صادق هدایت

www.ketab.ir



۱۴۰۰

سرشناسه	: خیام، عمر بن ابراهیم، ۴۳۲ - ۵۱۷ ق.
عنوان و نام پدیدآور	: Khayyam, Omarebn Ebrahim
مشخصات نشر	: ترانه‌های خیام/ صادق هدایت.
مشخصات ظاهری	: تهران: بدرقه جاویدان، جاویدان، ۱۳۹۹.
شابک	: ۹۸ ص.: مصور.
وضعیت فهرست نویسی	: 978-964-7736-404
موضوع	: فیفا
موضوع	: خیام، عمر بن ابراهیم، ۴۳۲ - ۵۱۷ ق.
موضوع	: Khayyam, Omarebn Ebrahim
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۵ق.
موضوع	: Persian poetry -- 11th century
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۵ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry -- 11th century -- History and criticism
موضوع	: رباعی
موضوع	: Quatrain
شناسه افزوده	: هدایت، صادق، ۱۲۸۱ - ۱۳۳۰، گردآورنده
رده بندی کنگره:	: ۴۶۲۵PIR
رده بندی دیویی	: ۱/۲۲۸۸
شماره کتابشناسی	: ۷۲۸۱۱۷۷



دفتر مرکزی:

خیابان انقلاب، خیابان فروز دین، کوچه نوروز، پلاک ۲۶

تلفن: ۶۶۴۱۱۵۰۸ - ۶۶۴۱۴۳۶۲

فروشگاه:

خیابان ولیعصر، نبش خیابان فاطمی، انتشارات بدرقه جاویدان

تلفن: ۸۸۹۷۵۵۸۱-۴



badraghe_javidan



Badraghe_javidan



انتشارات بدرقه جاویدان بامکاری انتشارات جاویدان



ترانه‌های خیام صادق هدایت

مدیر تولید : مسعود عطوفت شمسی
نوبت چاپ : اول ۱۴۰۰
شمارگان : ۵۰۰ نسخه
چاپ و صحافی : امیرکبیر
قیمت :

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۳۶-۴۰-۴ : ISBN: 978-964-7736-40-4

فهرست

۷	مقدمه
۲۱	خیام فیلسوف
۴۵	خیام شاعر
	زائدهای خیام
۵۹	راز آفرینش
۶۳	درد زندگی
۶۶	از ازل نوشته
۶۹	گردش دوران
۷۵	ذرات گردنده
۸۰	هر چه بادا باد
۸۷	هیچ انست
۸۹	دم را دریابیم

مقدمه

شاید کمتر کتابی در دنیا مانند مجموعه ترانه‌های خیام تحسین شده، مردود و منفور بوده تحریف شده، بهتان خورده، محکوم گردیده، حلاجی شده، شهرت عمومی و دنیاگیر پیدا کرده و بالاخره ناشناس مانده.

اگر همه کتاب‌هایی که راجع به خیام و رباعیاتش نوشته شده جمع‌آوری شود، تشکیل کتابخانه بزرگی را خواهد داد. ولی کتاب رباعیاتی که به اسم خیام معروف است و در دسترس همه می‌باشد، مجموعه‌ای است که عموماً از هشتاد الی هزار و دویست رباعی کم و بیش در بردارد، اما همه آنها تقریباً جنگ مغلوطی از افکار مختلف را تشکیل می‌دهند. حالا اگر یکی از این نسخه‌های رباعیات را از روی تفریح ورق بزنیم و بخوانیم از آن به افکار متضاد، به مضمون‌های گوناگون و به موضوع‌های قدیم و جدید بر می‌خوریم، به طوری که اگر یک نفر صد سال عمر کرده باشد و روزی دو مرتبه کیش و مسلک و عقیده خود را عوض کرده باشد قادر به گفتن چنین افکاری نخواهد بود. مضمون این رباعیات روی فلسفه و عقاید مختلف است از قبیل: الهی، طبیعی، دهری، صوفی، خوش‌بینی، بدبینی، تناسخی، افیونی، بنگی، شهوت‌پرستی، مادی، مرتاضی، لامذهبی، رندی و قلاشی، خدائی، وافوری ... آیا ممکن است یک

نفر این همه مراحل و حالات مختلف را پیموده باشد و بالاخره فیلسوف و ریاضی‌دان و منجم هم باشد؟ پس تکلیف ما در مقابل این آش درهم جوش چیست؟ اگر به شرح حال خیام در کتب قدیم هم رجوع نکنیم، به همین اختلاف نظر بر می‌خوریم.

این اختلافی است که همیشه در اطراف افکار بزرگ روی می‌دهد. ولی اشتباه مهم از آنجا ناشی شده که چنان که باید خیام شناخته نشده و افسانه‌هایی که راجع به او شایع کرده‌اند، این اشکال را در انتخاب رباعیات او تولید کرده است.

در این جا ما نمی‌خواهیم به شرح زندگی خیام بپردازیم و یا حدسیات و گفته‌های دیگران را راجع به او تکرار نکنیم. چون صفحات این کتاب خیلی محدود است. اساس کتاب ما روی یک مشت رباعی فلسفی قرار گرفته است که به اسم خیام، همان منجم و ریاضی‌دان بزرگ مشهور است و یا به خطا به او نسبت می‌دهند. اما چیزی که انکارناپذیر است، این رباعیات فلسفی در حدود قرن ۵ و ۶ هجری به زبان فارسی گفته شده.

تاکنون قدیمی‌ترین مجموعه اصیل از رباعیاتی که به خیام منسوب است، نسخه «بودلن» آکسفورد می‌باشد که در سنه ۸۶۵ در شیراز کتابت شده. یعنی سه قرن بعد از خیام و دارای ۱۵۸ رباعی است، ولی همان ایراد سابق کم و بیش به این نسخه وارد است. زیرا رباعیات بیگانه نیز در این مجموعه دیده می‌شود.

فیتز جرالد که نه تنها مترجم رباعیات خیام بوده، بلکه از روح فیلسوف بزرگ نیز ملهم بوده است، در مجموعه خود، بعضی رباعیاتی آورده که نسبت آنها به خیام جایز نیست، قضاوت فیتز جرالد مهم‌تر از اغلب شرح

حالاتی است که راجع به خیام در کتب قدیم دیده می‌شود، چون با ذوق و شامه خودش، بهتر رباعیات اصلی خیام را تشخیص داده تا نیکلا مترجم فرانسوی رباعیات خیام که او را به نظر یک شاعر صوفی دیده و معتقد است که خیام عشق و الوهیت را به لباس می و ساقی نشان می‌دهد، چنان که از همان ترجمه مغلوپ او شخص با ذوق دیگری مانند رنان خیام حقیقی را شناخته است.

قدیمی‌ترین کتابی که از خیام اسمی به میان آورده و نویسنده آن هم عصر خیام بوده و خودش را شاگرد و یکی از دوستان ارادتمند خیام معرفی می‌کند و با احترام هر چه تمام‌تر، اسم او را می‌برد، نظامی عروضی مؤلف «چهارمقاله» است. ولی او خیام را در ردیف منجمین ذکر می‌کند و اسمی از رباعیات او نمی‌آورد. کتاب دیگری که مؤلف آن ادعا دارد، در ایام طفولیت (۵۰۷) در مجلس درس خیام مشرف شده «تاریخ بیهقی» و «تمه صوان الحکمه» نگارش ابوالحسن بیهقی می‌باشد که تقریباً در سنه ۵۶۲ تألیف شده. او نیز از خیام چیز مهمی به دست نمی‌دهد، فقط عنوان او را می‌گوید که: «دستور، فیلسوف و حجه‌الحق» نامیده می‌شده! پدران او همه نیشابوری بوده‌اند، در علوم و حکمت تالی ابوعلی بوده ولی شخصاً آدمی خشک، و بدخلق و کم‌حوصله بوده. چند کتاب از آثار او ذکر می‌کند و فقط معلوم می‌شود که خیام علاوه بر ریاضیات و نجوم در طب و لغت و فقه و تاریخ نیز دست داشته و معروف بوده است. ولی در آن‌جا هم اسمی از اشعار خیام نمی‌آید، گویا ترانه‌های خیام در زمان حیاتش به واسطه تعصب مردم مخفی بوده و تدوین نشده و تنها بین یک دسته از دوستان هم‌رنگ و صمیمی او شهرت داشته و یا در حاشیه جنگ‌ها و

کتاب اشخاص با ذوق به طور قلم‌انداز چند رباعی از او ضبط شده، و پس از مرگش منتشر گردیده که داغ لامذهبی و گمراهی رویش گذاشته‌اند و بعدها با اضافات مقلدین و دشمنان او جمع‌آوری شده. انعکاس رباعیات او را در کتاب «مرصادالعباد» خواهیم دید.

اولین کتابی که در آن از خیام شاعر گفتگو می‌شود، کتاب «خریده القصر»، تألیف عماد الدین کاتب اصفهانی به زبان عربی است که در ۵۷۲ یعنی قریب ۵۰ سال بعد از مرگ خیام نوشته شده و مؤلف آن، خیام را در زمره شعرای خراسان نام برده و ترجمه حال او را آورده است.

کتاب دیگری که خیام شاعر را تحت مطالعه آورده «مرصادالعباد» تألیف نجم‌الدین رازی می‌باشد که در سنه ۶۲۰-۶۲۱ تألیف شده. این کتاب وثیقه بزرگی است زیرا نویسنده آن صوفی متعصبی بوده و از این لحاظ به عقاید خیام به نظر بطلان نگریسته و نسبت فلسفی و دهری و طبیعی به او می‌دهد و می‌گوید:

(ص ۱۸) «... که ثمره نظر ایمان است و ثمره قدم عرفان. فلسفی و دهری و طبایعی از این دو مقام محرومند و سرگشته و گم گشته‌اند. یکی از فضلا که به نزد نابینایان به فضل و حکمت و کیاست معروف و مشهور است و آن عمر خیام است، از غایت حیرت و ضلالت این بیت را می‌گوید» رباعی:
در دایره‌ای کامدن و رفتن ماست،

آن را نه بدایت، نه نهایت پیدا است؛

کس می‌نزد دمی درین عالم راست،

کین آمدن از کجا و رفتن بکجاست !